

مناجات خمس عشر

المناجاة الاولى: مناجاة التائبين (مناجات اول: رازونياز توبه کنندگان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي أَلْبَسْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي ، وَجَلَّلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِبَاسَ مَسْكَنَتِي ، وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جَنَائِتِي ، فَأَحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يَا أَمَلِي وَبُغْيَتِي ، وَيَا سَوْلى وَمُنْيَتِي ، فَوَعِزَّتِكَ مَا أَجِدُ لِذُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا ، وَلَا أَرَى لِكَسْرِى غَيْرَكَ جَابِرًا ، وَقَدْ خَصَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ ، وَعَنَوْتُ بِالْأَسْتِكَانَةِ لَدَيْكَ ، فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُودُ ؟ وَإِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ ؟ فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ خَجَلَتِي وَافْتِضَاحِي ، وَوَا لَهْفَاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي . أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ ، وَيَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَبِيرِ ، أَنْ تَهَبَ لِي مُوبَقَاتِ الْجَرَائِرِ ، وَتَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ ، وَلَا تُخْلِنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَغَفْرِكَ ، وَلَا تُعْرِى مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَسِتْرِكَ . إِلَهِي ظَلَّلْ عَلَى ذُنُوبِي غَمَامَ رَحْمَتِكَ ، وَأَرْسِلْ عَلَى عُيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانى اش هميشگى است؛ خدايا! گناهان بر من لباس خوارى پوشانده و دورى از تو جامه درماندگى بر تنم پيچيده و بزرگى جنايتم دلم را ميرانده، پس آن را با توبه به درگاهت زنده كن، اى آرزويم و مرادم و خواسته ام و اميدم، به عزّت سوگند براى گناهانم آمرزنده اى جز تو نمى يابم و براى دل شكستگى ام جبران كننده اى جز تو نمى بينم، به پيشگاهت با توبه و انابه فروتنى نمودم و با ذلّت و خوارى، به درگاهت تسليم شدم، اگر مرا از درگاهت برانى به كه روى آورم؟ و اگر از آستانت بازگردانى به كه پناه برم؟ در اين حال افسوس از شرمندگى و رسوائى ام و دريغ از زشتى كردار و فراهم آوردن گناهانم، اى آمرزنده گناهان بزرگ و اى جبران كننده استخوان شكسته، از تو درخواست مى كنم كه گناهان تباه كننده ام را بر من ببخشاى و بر من بپوشانى پنهان كارى هاى رسوا كننده ام را و مرا در عرصه قيامت از نسيم گذشت و آمرزشت بى بهره مگذارى و از پوشش زیبای چشم پوشى ات عريان و بى پوشش رها نسازى، خدايا سايه رحمت را بر گناهانم بينداز و ابر مهربانى ات را به سوى عيب هايم گسيل كن؛

إِلَهِي هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْأَبْقُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ ؟ أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ ؟ إِلَهِي إِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِينَ ، وَإِنْ كَانَ الْأَسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ ، لَكَ الْعُنْبَى حَتَّى تَرْضَى . إِلَهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَى تَبِّ عَلَى ، وَبِعِلْمِكَ عَنِّي اعْفُ عَنِّي ، وَبِعِلْمِكَ بِي أَرْقُ بِى . إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ ، فَقُلْتَ : ﴿تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا﴾؛

خدایا! آیا برده فراری جز به جانب مولایش باز می‌گردد؟ یا کسی به او از خشم مولایش، جز مولایش پناه می‌دهد؟ خدایا اگر پشیمانی از گناه توبه است، پس به عزّت سوگند که من از پشیمانانم و اگر آمرزش طلبی از خطاکاری سبب فرو ریختن خطاها از پرونده است، من از آمرزش خواهانم، حق رضایت با توست تا راضی شوی، خدایا با قدرتت بر من، توبه‌ام را بپذیر و با بردباری‌ات نسبت به من، از من درگذر و با آگاهی‌ات از حال من، با من مدارا فرما، خدایا تویی که به روی بندگان دری به‌سوی بخششت گشودی و آن را توبه نامیدی و خود فرمودی: «بازگردید به جانب خدا، بازگشتی خالصانه»؛

فَمَا عُدْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ ؟ إِلَهِي إِنْ كَانَ قُبْحَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ . إِلَهِي مَا أَنَا بِأَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ فَتُبَّتْ عَلَيْهِ ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدْتَ عَلَيْهِ ، يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ ، يَا عَظِيمَ الْبِرِّ ، يَا عَلِيمًا بِمَا فِي السِّرِّ ، يَا جَمِيلَ السَّتْرِ ، اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيْكَ ، وَتَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ ، فَاسْتَجِبْ دُعَائِي ، وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي ، وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي ، وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي ، بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

پس عذر کسی که از ورود به این در پس از گشوده شدنش غفلت ورزد چه می‌تواند باشد؟ خدایا اگر نافرمانی و گناه از بنده‌ات زشت بود، پس گذشت از جانب تو زیباست، خدایا نخستین کسی نیستم که تو را نافرمانی کرده و حضرتت توبه پذیرش شدی و خود را در معرض احسانت قرار داده و تو مورد احسانش قرار دادی، ای پاسخگوی درماندگان، ای برطرف‌کننده زیان، ای بزرگ نیکی، ای دانای نهان، ای زیبا پرده‌پوش، به جود و کرمت به‌سوی تو شفاعت می‌جویم و توسّل می‌کنم نزد تو، به فضل و رحمتت دعا می‌را اجابت کن، امیدم را به خود ناامید مساز و توبه‌ام را بپذیر و با احسان و مهرت خطاهایم را نادیده گیر، ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجات الثانية: مناجاة الشاكين (مناجات دوم: راز و نیاز شاکیان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالشَّوْءِ أَمَّارَةً ، وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً ، وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً ، وَلِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً ، تَسْلُكُ بِي مَسَالِكَ الْمَهَالِكِ ، وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ ، إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعَ ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ ، مَيَّالَةً إِلَى اللَّغَبِ وَاللَّهْوِ ، مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ ، وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ . إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي ، وَشَيْطَانًا يُغْوِينِي ، قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي ، وَأَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي ، يُعَاضِدُ لِيَ الْهَوَى ، وَيَزِينُ لِيَ حُبَّ الدُّنْيَا ، وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفَى ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ خدایا از نفسی که فراوان به بدی فرمان می‌دهد به تو شکایت می‌کنم، همان نفسی که شتابنده به سوی خطا و آزند به انجام گناهان و در معرض خشم توست، نفسی که مرا به راه هلاکت می‌کشانند و هستی‌ام را نزد تو از پست‌ترین تباه‌شدگان قرار می‌دهد، بیماری‌هایش بسیار، آرزویش دراز است، اگر گزند به او در رسد بی‌تابی می‌کند و اگر خیری به او رسد از انفاقش دریغ می‌ورزد، به بازی و هوسرانی میل بسیار دارد، از غفلت و اشتباه آکنده است، مرا به تنندی به‌جانب گناه می‌راند و با من در توبه و ندامت امروز و فردا می‌کند، خدایا از دشمنی که گمراه می‌کند و از شیطانی که به بی‌راهه‌ام می‌برد به تو شکایت می‌کنم، شیطانی که سینه‌ام را از وسوسه انباشته و زمزمه‌های خطرناکش قلبم را فرا گرفته است، شیطانی که با هوا و هوس برایم کمک می‌کند و عشق به دنیا را در دیدگانم زیور می‌بخشد و بین من و بندگی و مقام قرب پرده می‌افکند؛

إِلٰهِی اِلَیْكَ اَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًا مَعَ الْوَسْوَاسِ الْمُتَقَلِّبِ ، وَبِالزَّيْنِ وَالطَّبَعِ مُتَلَبِّسًا ، وَعَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً ، وَ اِلٰی مَا تَسْرُّهَا طَامِحَةً . اِلٰهِی لَا حَوْلَ لِي وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِقُدْرَتِكَ ، وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا اِلَّا بِعِصْمَتِكَ ، فَاسْأَلُكَ بِبَلَاغَةِ حِكْمَتِكَ ، وَنَفَاذِ مَشِيئَتِكَ ، اَنْ لَا تَجْعَلَنِي لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضًا ، وَلَا تُصَيِّرْنِي لِلْفِتَنِ غَرَضًا ، وَكُنْ لِي عَلٰی الْاَعْدَاءِ نَاصِرًا ، وَعَلٰی الْمَخَازِي وَالْعُيُوبِ سَاتِرًا ، وَمِنَ الْبَلَاءِ وَاَقِيًا ، وَعَنِ الْمَعَاصِي عَاصِمًا ، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خدایا از دل همچون سنگی که با وسوسه زیرورو می‌شود و به آلودگی گناه و سیاهی نافرمانی آلوده شده به تو شکایت می‌کنم، خدایا از چشمی که از گریه ناشی از هراس تو خشک شده و در عوض به مناظری که خوش آیند آن است خیره گشته به تو گلايه می‌کنم، خدایا توان و نیرویی برای من جز به قدرت تو نیست، راه نجاتی از گرفتاری‌های دنیا جز نگهداری تو برایم نمی‌باشد، از تو خواستارم به رسایی حکمت و نفوذ اراده‌ات که مرا جز جودت در معرض چیزی قرار ندهی و هدف فتنه‌ها نگردانی و علیه دشمنانم یاور باشی و پرده‌پوش رسوایی‌ها و عیوبم گردی و از بلا نگهدار و از گناهان بازدارنده‌ام باشی، به مهر و رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة الثالثة: مناجات الخائفین(مناجات سوم: رازونیاز ترسیدگان)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

إِلٰهِی اَتَرَاكَ بَعْدَ الْإِيْمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي ؟ اَمْ بَعْدَ حُبِّيْ اِيَّاكَ تُبْعِدُنِي ؟ اَمْ مَعَ رَجَائِيْ لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنِي ؟ اَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِيْ بِعَفْوِكَ تُسْلِمُنِي ؟ حَاشَا لَوْجْهِكَ الْكَرِیْمِ اَنْ تُخَيِّبَنِي . لَيْتَ شِعْرِيْ اَلِلشَّقَاءِ وَلَدَتْنِيْ اُمِّي ؟ اَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِيْ ؟ فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِيْ ، وَلَمْ تُرَبِّبْنِيْ ، وَلَيْتَنِيْ عَلِمْتُ اَمِنْ اَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِيْ ، وَبِقُرْبِكَ وَجَوَارِكَ خَصَصْتَنِيْ ، فَتَقَرَّرْ بِذَلِكَ عَيْنِيْ ، وَتَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِيْ . اِلٰهِی هَلْ تُسَوِّدُ

وَجُوهًا حَرَّتْ سَاجِدَةً لِّعَظَمَتِكَ ؟ أَوْ تُخْرَسُ أَلْسِنَةٌ نَّطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَى مَجْدِكَ وَجَلَّالَتِكَ ؟ أَوْ تَطْبَعُ عَلَى قُلُوبٍ انْطَوَتْ عَلَى مَحَبَّتِكَ ؟ أَوْ تُصِمُّ أَسْمَاعًا تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي إِرَادَتِكَ ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ خدایا آیا چنین می‌نمایی که پس از ایمانم به تو، عذابم نمایی؟ یا پس از عشقم به تو، از خود دورم سازی؟ یا با امید به رحمت و چشم‌پوشی‌ات محرومم سازی؟ یا با پناه جویی‌ام به گذشتت رهايم نمایی؟ هرگز چنین نیست! از ذات بزرگواریت به دور است که محرومم کنی، ای کاش می‌دانستم که آیا مادرم مرا برای بدبختی به دنیا آورده، یا برای رنج کشیدن و زحمت پرورانده است؟ اگر چنین است کاش مرا نزاده و پرورانده بود و ای کاش آگاه بودم که آیا مرا از اهل سعادت قرار داده و به قرب و جوارت اختصاص داده‌ای تا به این سبب چشمم روشن و جانم آرام گیرد؟ خدایا آیا چهره‌هایی که در برابر عظمت سجده‌کنان به خاک افتاده سیاه می‌کنی؟ یا زبان‌هایی را که برای بزرگی و شکوهت به ستایش گویا شده ناگویا می‌نمایی؟ یا بر دل‌هایی که به محبت پیچیده شده مهر می‌زنی؟ یا گوش‌هایی را که از شنیدن ذکرت در راه رضایت لذت برده؟ ناشنوا می‌کنی؟

أَوْ تَغْلُ أَكْفًا رَفَعَتْهَا الْأَمَالُ إِلَيْكَ رَجَاءً رَأْفَتِكَ ؟ أَوْ تُعَاقِبُ أَبْدَانًا عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّى نَجَلَتْ فِي مُجَاهَدَتِكَ ؟ أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ ؟ إِلَهِي لَا تُغْلِقْ عَلَى مُوحِّدِكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ ، وَلَا تَحْجُبْ مُسْتَقِيمَكَ عَنِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ رُؤْيَيْكَ . إِلَهِي نَفْسٌ أَعَزَّتْهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ تَذِلُّهَا بِمَهَانَةٍ هِجْرَانِكَ ؟ وَصَمِيرٌ انْعَقَدَ عَلَى مَوَدَّتِكَ كَيْفَ تُحْرِقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ ؟ إِلَهِي أَجْرَنِي مِنْ أَلِيمِ غَضَبِكَ ، وَعَظِيمِ سَخَطِكَ ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ ، يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ ، يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ ، يَا غَفَّارُ يَا سَتَّارُ ، نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ ، وَفُضِيحَةِ الْعَارِ ، إِذَا امْتَاَزَ الْأَخْيَارُ مِنَ الْأَشْرَارِ ، وَحَالَتِ الْأَحْوَالُ وَهَالَتِ الْأَهْوَالُ ، وَ قَرَّبَ الْمُحْسِنُونَ وَبَعَدَ الْمُسِيئُونَ ، ﴿وَوُفِّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

یا دست‌هایی را که آرزوهای به امید مهرورزی‌ات، به سویت بلند کرده به زنجیر می‌بندی؟ یا بدن‌هایی را که در طاعتت کوشیده تا جایی که در راه کوشش در بندگی‌ات لاغر شده، مجازات می‌کنی؟ یا پاهایی را که در راه عبادتت پوییده، به عذاب دچار می‌نمایی؟ خدایا درهای رحمت را بر یکتاپرستان مبند و شیفتگان را از نگاه به زیبایی دیدارت محروم مساز، خدایا جانی را که به توحیدت عزت بخشیدی، چگونه به خواری هجرانت ذلیل می‌کنی و باطنی که بر دوستی‌ات پیمان بسته، چگونه به سوز آتش می‌سوزانی؟ خدایا، از دردناکی خشم و بزرگی ناخشنودی‌ات پناهم ده، ای پرمهر، ای منت‌گذار، ای مهربان، ای بخشاینده، ای جبار، ای چیره، ای آمرزنده، ای پرده‌پوش، به مهرت مرا از شکنجه آتش و رسوایی ننگ، رهایی‌بخش، آنگاه که نیکان از بدان جدا شوند و حالت‌ها دگرگون گردد و هراسنده‌ها بهراسند و نیکوکاران به خوشبختی نزدیک شوند و بدکاران از آن دور گردند و به هرکسی برابر آنچه انجام داده، جزای برارنده داده شود و هرگز به آنان ستم نشود.

المناجات الرابعة: مناجاة الرَّاجين (مناجات چهارم: رازونیاز امیدواران)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ ، وَإِذَا أَمَلَ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ مُنَاهُ ، وَإِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرَبَهُ وَأَدْنَاهُ ، وَإِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَى ذَنْبِهِ وَعَطَاهُ ، وَإِذَا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَاهُ . إِلَهِي مَنْ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ فَمَا قَرَيْتَهُ ؟ وَمَنْ الَّذِي أَنَاخَ بِبَابِكَ مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ ؟ أَيَحْسُنُ أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ بِالْخَبِيَةِ مَصْرُوفًا ، وَلَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلَى بِالْإِحْسَانِ مَوْصُوفًا ؟! كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ ؟ وَكَيْفَ أُؤَمِّلُ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ ؟! أَأَقْطِعُ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ ؟ أَمْ تُفْقِرُنِي إِلَى مِثْلِي وَأَنَا أَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ ؟ يَا مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ ، وَلَمْ يَشَقَّ بِنِقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ ای آن‌که هرگاه بنده‌ای از او بخواهد عطایش کند و هرگاه چیزی را که نزد اوست آرزو کند، به آرزویش برساند و زمانی که به او روی آورد، مقرب و نزدیکش کند و گاهی که تظاهر به گناه کند، گناهش را پرده‌پوشی نماید و آنگاه که بر او توکل نماید، او را بس باشد و کفایت کند، خدای من، کیست که بر آستانت وارد شده و خواهان مهمان‌پذیری‌ات باشد و تو از او پذیرایی نکرده باشی و کیست که مرکب حاجت را با امید به سخاوت به درگاهت خوابانده باشد و تو احسانش ننموده باشی؟ آیا خوشایند است که از درگاهت با محرومیت بازگردم، درحالی‌که جز تو سروری که به احسان متصف باشد شناسم؟ چگونه به غیر تو امید بندم درحالی‌که هر خوبی به دست توست و چگونه جز تو را آرزو کنم درحالی‌که آفرینش و فرمان خاص تو است؟ آیا امیدم را از تو بپریم درحالی‌که از روی احسان آنچه از تو نخواستیم به من عطا فرمودی یا آیا به مانند خودم محتاجم می‌کنی درحالی‌که به رشته محکمت چنگ می‌زنم؟ ای آن‌که قصدکنندگان به رحمتش خوشبخت شدند و آمرزش خواهان به انتقامش بدبخت نشدند؛

كَيْفَ أَنْسَاكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي ؟! وَكَيْفَ أَلْهُو عَنْكَ وَأَنْتَ مُرَاقِبِي ؟! إِلَهِي بِذِيلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ يَدِي ، وَ لِنَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ أَمْلِي ، فَأَخْلَصْنِي بِخَالِصَةِ تَوْحِيدِكَ ، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عِبِيدِكَ ، يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِي ، وَكُلُّ طَالِبٍ إِلَيْهِ يَرْتَجِي ، يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ ، وَيَا أَكْرَمَ مَدْعُوٍّ ، وَيَا مَنْ لَا يَرُدُّ سَائِلُهُ ، وَلَا يُخَيِّبُ أَمَلُهُ ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ ، وَجَبَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ ، أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَائِكَ بِمَا تَقَرَّرُ بِهِ عَيْنِي ، وَمِنْ رَجَائِكَ بِمَا تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِي ، وَمِنْ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا ، وَتَجْلُو بِهِ عَنِ بَصِيرَتِي غَشَوَاتِ الْعَمَى ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

چگونه فراموشت کنم که همیشه به یادم بوده‌ای و چگونه از تو غافل شوم که تو نگهبانم هستی، خدای من دستم را به دامن کرم‌ت آویختم و برای رسیدن به عطایات سفره آرزویم را گستردم، مرا به

خلوص توحیدت خالص کن و از بندگان برگزیده‌ات قرار ده، ای آن‌که هر گریزانی به او پناه می‌جویی و هر جوینده‌ای به او امید می‌بندی، ای بهترین امیدبخش، ای کریم‌ترین خواننده، ای آن‌که پرستنده‌اش برگردانده نشود و آرزومندش محروم نگردد، ای آن‌که در رحمتش به روی خوانندگان باز است و پرده درگاهش برای امیدواران گشوده است، از تو می‌خواهم به بزرگواری‌ات که ببخشی از عطای خود بر من آن‌چنان‌که دیده‌ام به آن روشن شود و از امید به تو سرشارم سازی به اندازه‌ای که نهادم آرامش یابد و از یقین آن‌چنان بر من منت نهی که با آن ناگواری‌های دنیا را برایم آسان نمایی و با آن از دیدگان دلم پرده‌های نابینایی را برگیری، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجات الخامسة: مناجاة الراغبين (مناجات پنجم: رازونیز دلدادگان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ ، فَلَقَدْ حَسَنَ ظَنِّي بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ ، وَإِنْ كَانَ جُرْمِي قَدْ أَخَفَنِي مِنْ عُقُوبَتِكَ ، فَإِنَّ رَجَائِي قَدْ أَشْعَرَنِي بِالْأَمْنِ مِنْ نِقْمَتِكَ ، وَإِنْ كَانَ ذَنْبِي قَدْ عَرَضَنِي لِإِعْقَابِكَ ، فَقَدْ آذَنَنِي حُسْنُ ثِقَتِي بِثَوَابِكَ ، وَإِنْ أَنَا مَتْنِي الْغَفْلَةَ عَنِ الْاِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ ، فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِكَ وَآلَائِكَ ، وَإِنْ أَوْحَشَ مَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَرَطُ الْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ ، فَقَدْ آتَسَنِي بُشْرَى الْغُفْرَانِ وَالرَّضْوَانِ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ خدایا هرچند در آمدن به‌سویت توشه‌ام اندک است ولی، گمانم بر توکل به تو همواره نیکو است و هرچند گناه‌ها مرا از عذاب تو به هراس افکنده، ولی چشم امیدم ایمنی از انتقامت را به من خبر می‌دهد و هرچند نافرمانی‌ام مرا در معرض عذابت قرار داده، ولی حسن اعتمادم مرا به پاداشت آگاهی می‌دهد و هرچند بی‌خبری مرا از آمادگی برای دیدارت به خواب غفلت انداخته، ولی آشنایی به کرم و عطاهایت مرا بیدار نموده است و اگر زیاده‌روی در گناه و سرکشی، میانه من و تو را تیره ساخته ولی مزده آمرزش و خشنودیت با من انس گرفته است؛

أَسْأَلُكَ بِسُبُحاتِ وَجْهِكَ وَبِأَنْوَارِ قُدْسِكَ ، وَأَبْتَهِلُ إِلَيْكَ بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ ، وَلَطَائِفِ بَرِّكَ ، أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أَوْمَلُهُ مِنْ جَزِيلِ إِكْرَامِكَ ، وَجَمِيلِ إِنْعَامِكَ ، فِي الْقُرْبَى مِنْكَ وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ ، وَالتَّمَتُّعِ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ ، وَهَا أَنَا مُتَعَرِّضٌ لِنَفْحَاتِ رَوْحِكَ وَعَطْفِكَ ، وَمُنْتَجِعٌ غَيْثِ جُودِكَ وَلُطْفِكَ ، فَارٌّ مِنْ سَخَطِكَ إِلَى رِضَاكَ ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ ، رَاجٍ أَحْسَنَ مَا لَدَيْكَ ، مُعَوِّلٌ عَلَى مَوَاهِبِكَ ، مُفْتَقِرٌ إِلَى رِعَايَتِكَ .
إِلَهِي مَا بَدَأْتَ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمَّهُ ، وَمَا وَهَبْتَ لِي مِنْ كَرَمِكَ فَلَا تَسْلُبْهُ ، وَمَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلَا تَهْتِكْهُ ، وَمَا عَلِمْتَهُ مِنْ قَبِيحٍ فَعَلِي فَاغْفِرْهُ؛

از تو می‌خواهم به درخشش‌های جلوه‌ات و به انوار قدست و هم به‌سویت زاری می‌کنم به عواطف مهتر و لطایف احسانت که تحقق بخشی گمانم را در آنچه از تو آرزومندم از بزرگی اکرامت و زیبایی انعامت، در راه تقرب به تو و نزدیکی به بارگاهت و بهره‌مندی از نگاه به‌سویت، هم اینک متعرض نسیم‌های رحمت و توجه تو و خواهان باران جود و لطف بی‌پایان تو می‌باشم و از خشمیت به‌سوی خشنودی‌ات گریزان و از تو به‌سوی خودت فراری‌ام، نیکوترین چیزی را که نزد توست امید دارم، بر بخشش‌هایت اعتماد می‌نمایم، به عنایت نیازمندم، خدایا آنچه را از فضلت بر من آغاز کردی به انجام رسان و آنچه را از کرمیت به من دادی از من مگیر و آنچه را با بردباری‌ات بر من پوشاندی آشکار مکن و آنچه را از زشتی کردارم دانستی بپامرز؛

إِلَهِی اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَیْكَ ، وَاسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْكَ ، أَتَيْتُكَ طَامِعاً فِي إِحْسَانِكَ ، رَاغِباً فِي امْتِنَانِكَ ، مُسْتَسْقِياً وَابِلَ طَوْلِكَ ، مُسْتَمْطِراً غَمَامَ فَضْلِكَ ، طَالِباً مَرْضَاتِكَ ، قاصِداً جَنَابَكَ ، وَارِداً شَرِيعَةَ رِفْدِكَ ، مُلْتَمِساً سِنَى الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ ، وَافِداً إِلَى حَضْرَةِ جَمَالِكَ ، مُرِيداً وَجْهَكَ ، طَارِقاً بِابِكَ ، مُسْتَكِيناً لِعَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ ، فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقْمَةِ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خدایا! از تو به تو شفاعت می‌جویم و از تو به تو پناهنده می‌شوم، با امید بسیار به احسانت به‌سوی تو آمدم، به خوبی‌هایت که بر من منت گذاری دل‌بسته‌ام، به فراوانی کرمیت تشنه‌ام، ابر فضلت را باران طلبم، خشنودی‌ات را خواهانم، آهنگ آستانت را دارم، به جویبار عطایت وارد آمدم، برترین خیرات را از پیشگاهت خواهشمندم، به‌جانب حضرت جمالت روانم، ذاتت را اراده دارم، کوبنده در رحمت هستم، درمانده‌ام در برابر شکوه و جلالت، با من از آمرزش و رحمت آن‌گونه کن که شایسته آنی و نه آن‌گونه که سزاوار عذاب و انتقامم، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة السادسة: مناجاة الشاکرین(مناجات ششم: رازونیاز شاكران)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِی أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابُعُ طَوْلِكَ ، وَأَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ ، وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ ، وَأَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ ، وَهَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمَاءِ وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ ، وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ ، وَأَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ ، الَّذِي لَا يُخَيِّبُ قَاصِدِيهِ ، وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ آمِلِيهِ ، بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ الرَّاجِينَ ، وَبِعَرْصَتِكَ تَقِفُ آمَالُ الْمُسْتَرْفِدِينَ ، فَلَا تُقَابِلْ آمَالَنَا بِالتَّخْيِيبِ وَالْإِيَّاسِ ، وَلَا تُلْبِسْنَا سِرْبَالَ الْقُنُوطِ وَالْإِبْلَاسِ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ خدایا، پیاپی آمدن کرمات، برپاداشتن سپاست را از یاد من برد و فراوانی بخششت، مرا از شمارش ستایشت درمانده ساخت و در پی هم آمدن احسانت، مرا از یاد اوصاف نیکت بازداشت و پشت هم رسیدن نعمت‌هایت مرا از گسترش خوبی‌هایت درمانده نمود، این است جایگاه آن‌که به برازندگی نعمت‌های تو در برابر آن به کوتاهی خود اعتراف دارد و به زیان خود به سستی در بندگی و هدر دادن نعمت‌ها گواهی می‌دهد و تویی دلجو، مهربان، نیکوکار، کریم که خواهنده‌اش را محروم نمی‌کند و آرزومندش را از درگاهش نمی‌رانند، به آستانت فرود می‌آید، بار امیدواران و در درگاه رحمت تو می‌ایستد، آرزوهای عطاخواهان، پس آرزوهایمان را با محرومیت و ناامیدی روبرو مساز و جامه ناامیدی و دوری از رحمت را بر ما می‌پوشان؛

إِلَهِي تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظُمِ أَلَايِكَ شُكْرِي ، وَتَضَاعَلَ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِثْيَائِي وَنَشْرِي ، جَلَلَتْنِي نِعْمَتُكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلُلًا ، وَضَرَبْتَ عَلَيَّ لَطَائِفُ بَرِّكَ مِنَ الْعِزِّ كِلَالًا ، وَقَلَّدْتَنِي مِنْنِكَ قَلَائِدَ لَا تُحَلُّ ، وَطَوَّقْتَنِي أَطْوَاقًا لَا تُفْلُ ، فَلَاؤُكَ جَمَّةٌ ضَعُفَ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا ، وَنَعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصَرَ فَهْمِي عَنْ إِدْرَاكِهَا فَضْلًا عَنْ اسْتِغْصَائِهَا؛

خدایا در برابر بزرگی نعمت‌هایت، سپاسم کوچک می‌نماید و در کنار اکرامت بر من، ستایش و گزارشم از آن خود را پست و ناچیز نشان می‌دهد، نعمت‌هایت از انوار ایمان، زینت‌هایی به من پوشاند و لطایف نیکی‌ات خیمه‌هایی از عزت بالای سرم افراشت و عطا‌های گردنبندهای زیبنده‌ای به گردنم افکند که هرگز باز نشود و طوق‌هایی بر من آویخت که به هیچ روی گسسته نگردد، عطا‌های انبوهت زبانم را از شمردنش ناتوان ساخته و نعمت‌های فراوانت فهمم را از دریافتشان کوتاه نموده تا چه رسد به بررسی کامل آن‌ها؛

فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ وَشُكْرِي إِثْيَاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ ؟ فَكَلَّمَا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ . إِلَهِي فَكَمَا غَدَّيْتَنَا بِلُطْفِكَ ، وَرَبَّيْتَنَا بِصُنْعِكَ ، فَتَمَّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ ، وَادْفَعْ عَنَّا مَكَارِهِ النِّقَمِ ، وَآتِنَا مِنْ حُظُوظِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَأَجَلِّهَا عَاجِلًا وَآجَلًا ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَايِكَ ، وَسُبُوحِ نِعْمَائِكَ ، حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ ، وَيَمْتَرِي الْعَظِيمَ مِنْ بَرِّكَ وَنَدَاكَ ، يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

سپاسگزاری‌ات چگونه برای من امکان‌پذیر است درحالی‌که سپاسم نسبت به تو خود نیازمند سپاسی دیگر است، پس هر نوبت که گفتم تو را سپاس، بر من واجب شد که به خاطر آن باز بگویم تو را سپاس، خدا همان‌گونه که ما را به لطف‌ت طعام دادی و با احسانت پروریدی، پس نعمت‌های سرشارت را بر ما به انجام رسان و ناگواری‌های ناخوشایند را از ما دور کن و از بهره‌های هر دو جهان بالاتر و برترش را چه اینک و چه در آینده به ما عنایت کن، تو را سپاس بر خوبی آزمونت و بر نعمت‌های سرشارت، سپاسی که درخور خشنودیت باشد و خیر وجودت را به‌جانب ما جلب کند، ای بزرگ، ای کریم، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة السابعة: مناجاة المطيعين لله (مناجات هفتم: رازونياز فرمانبران خدا)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ أَلْهِمْنَا طَاعَتَكَ ، وَجَنِّبْنَا مَعْصِيَتَكَ ، وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ ابْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ ، وَأَحْلِلْنَا بُحْبُوحَةَ جَنَّاتِكَ ، وَأَقْشَعْ عَنْ بَصَائِرِنَا سَحَابَ الْاَرْتِيَابِ ، وَاكْشِفْ عَنْ قُلُوبِنَا أَغْشِيَةَ الْمَرِيَةِ وَالْحِجَابِ ، وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَنْ ضَمَائِرِنَا ، وَاثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا ، فَإِنَّ الشُّكُوكَ وَالظُّنُونِ لَوَاقِحُ الْفِتَنِ ، وَمُكَدَّرَةٌ لِّصَفْوِ الْمَنَائِحِ وَالْمَنَنِ . اللَّهُمَّ احْمِلْنَا فِي سَفْنِ نَجَاتِكَ ، وَمَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ ، وَأَوْرِدْنَا حِيَاضَ حُبِّكَ؛ به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛ خدایا، فرمانبرایات را به ما الهام فرما و ما را از نافرمانیت دور کن و راه رسیدن به آنچه از خشنودی ات آرزو مندیم آسان کن و ما را در میان بهشت هایت جای ده و از برابر دیدگان دل هایمان، ابرهای شک و دودلی را بزدای و از قلوبمان پرده های تردید و کوردلی را کنار زن و از نهادمان باطل را زایل کن و حق را در درون ما استوار گردان، زیرا شک ها و گمان ها، بارور کننده ی آشوب ها و تیره کننده ی عطاها و بخشش های زلال و بی آلايش اند، خدایا ما را بر کشتی های نجات بنشان و از لذت رازونيازت بهره مند گردان و به حوض های دوستی ات وارد کن؛ وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ وُدِّكَ وَقُرْبِكَ ، وَاجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ ، وَهَمَّنَا فِي طَاعَتِكَ ، وَأَخْلِصْ نِيَّاتِنَا فِي مُعَامَلَتِكَ ، فَإِنَّا بِكَ وَلَكَ وَلَا وَسِيلَةَ لَنَا إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَ . إِلَهِي اجْعَلْنِي مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ ، وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ الْأَبْرَارِ ، السَّابِقِينَ إِلَى الْمَكْرُمَاتِ ، الْمُسَارِعِينَ إِلَى الْخَيْرَاتِ ، الْعَامِلِينَ لِلْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ ، السَّاعِينَ إِلَى رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَبِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و شیرینی محبت و مقام قربت را به ما بچشان، کوششمان را در راهت و همتمان را در طاعتت قرار ده و نیت هایمان را در معامله با خود خالص گردان، چراکه ما با تو و از تویم و برای ما وسیله ای جز به سوی تو نیست، خدایا، مرا از گزیدگان بندگان خوبت قرار ده و به شایستگان نیکوکار ملحق کن، هم آنان که به بندگی پیشی گرفتند و به سوی خیرات شتافتند و برای باقیات صالحات تلاش کردند و برای رسیدن به درجات بلند کوشش نمودند، همانا تو بر هر چیز توانایی و به اجابت دعا سزاواری، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاة الثامنة: مناجاة المريدين (مناجاة هشتم: رازونياز ارادتمندان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقَ الطُّرُقَ عَلَى مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ ، وَمَا أَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ ؟ ! إِلَهِي فَاسْأَلْكَ بِنَا سُبُلَ الْوُصُولِ إِلَيْكَ ، وَسَيِّرْنَا فِي أَقْرَبِ الطُّرُقِ لِلْوُقُودِ عَلَيْكَ ، قَرِّبْ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ ، وَأَلْجِئْنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ ، وَبَابَكَ عَلَى الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ ، وَ إِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَعْبُدُونَ ، وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ ، الَّذِينَ صَفَّيْتَ لَهُمُ الْمَشَارِبَ ، وَبَلَّغْتَهُمُ الرَّغَائِبَ ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛ منزهی تو، چه تنگ است راهها بر کسی که تو راهنمایش نباشی و چه آشکار است حق، نزد کسی که راه را نشانش دادی، خدایا، ما را به راههای رسیدن به سرایت بکشان و ما را از نزدیک ترین راههای ورود به بارگاهت ببر، دور را بر ما نزدیک کن و دشوار و سخت را بر ما آسان گردان و ما را به آن بندگان که با چالاکی به سویت می شتابند و همواره در رحمت را می کوبند، ملحق نما، آنان که در هر شب و روز تو را عبادت می کنند و از هیبتت در هراسند، بندگان که آبشخورها برای آنان زلال کردی و به خواسته هایشان با کامیابی رساندی؛

وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ ، وَقَصَّيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَآرِبَ ، وَمَلَأْتَ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ ، وَرَوَّيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِبِكَ ، فَبِكَ إِلَيَّ لَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَصَلُّوا ، وَمِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُّوا ، فَيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ ، وَبِالْعَاطِفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ ، وَبِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَوْوُفٌ ، وَبِجَذْبِهِمْ إِلَيَّ بَابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا ، وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنَزِلًا ، وَأَجْزَلَهُمْ مِنْ وَدَّكَ قِسْمًا ، وَأَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيبًا ، فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتِي ، وَانْصَرَفَتْ نَحْوَكَ رَغْبَتِي ، فَأَنْتَ لَاغَيْرُكَ مُرَادِي ، وَلَكَ لَا لِسِوَاكَ سَهْرِي وَسَهَادِي ، وَ لِقَاؤِكَ قُرَّةُ عَيْنِي ، وَوَصْلُكَ مُنَى نَفْسِي ؛

و آنان را بر جوینده هایشان کامروا نمودی و از روی فضلت حاجاتشان را برآوردی و نهادشان را از محبتت آکنده ساختی و از زلال چشمهات سیرابشان نمودی، اینان به وسیله تو به لذت مناجات دست یافتند و از حسن عنایت تو دورترین مقاصدشان را فرا چنگ آوردند، ای کسی که بر روی آورندگان بر خویش، روی آورد و با مهرورزی بر ایشان روی آور و بخشنده است و به غفلت ورزان از یادش، دلسوز و مهربان است و برای جلب آنان به درگاهش با محبت و عطاوت است، از تو می خواهم مرا از کسانی قرار دهی که بهره بیشتری از تو دارند و برترین جایگاه را نزد تو نصیب خود

ساخته‌اند و از دوستی‌ات سهم برجسته‌تری به آنان رسیده و در معرفت بهره بیشتری نصیب آنان گشته است، همانا هم‌تم از همه‌جا بریده و تنها متوجه تو گشته است و رغبتم به‌جانب تو منصرف شده است، پس تنها تو مراد منی نه غیر تو و شب‌زنده‌داری و بی‌خوابی‌ام تنها برای توست نه برای غیر تو و دیدارت نور دیدگان من است و وصال آرزوی هستی‌ام؛

وَإِلَيْكَ شَوْقِي ، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهِي ، وَ إِلَى هَوَاكَ صَبَابَتِي ، وَرِضَاكَ بُغْيَتِي ، وَرُؤْيُكَ حَاجَتِي ، وَجَوَارِكَ طَلْبِي ، وَقُرْبِكَ غَايَةُ سُؤْلِي ، وَفِي مُنَاجَاةِكَ رَوْحِي وَرَاحَتِي ، وَعِنْدَكَ دَوَاءُ عِلَّتِي ، وَشِفَاءُ غَلَّتِي ، وَبَرْدُ لَوْعَتِي ، وَكَشْفُ كُرْبَتِي ، فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي ، وَمُقِيلَ عَنْرَتِي ، وَغَافِرَ زَلَّتِي ، وَقَابِلَ تَوْبَتِي ، وَمُجِيبَ دَعْوَتِي ، وَوَلِيَّ عِصْمَتِي ، وَمُغْنِيَ فَاقَتِي ، وَلَا تَقْطَعْ عَنِّي عَنكَ ، وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ ، يَا نَعِيمِي وَجَنَّتِي ، وَيَا دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و تنها به‌سوی توست اشتیاقم، تنها در مسیر عشق توست شیفتگی‌ام و در هوای توست دلدادگی‌ام و خشنودی‌ات مقصود من و دیدارت نیاز من و جوارت مطلوب من و قربت نهایت خواسته من است، آسودگی و راحت‌م در رازونیز با توست، داروی دردم و درمان بیماری سینه‌ام و خنکای آتش قلبم و برآمدن اندوهم تنها پیش توست، پس در هنگام ترس همدم باش و لغزشم را نادیده گیر و گناه‌م را بیامرز، توبه‌ام را بپذیر و دعایم را اجابت کن و سرپرست زمامم و توانگری گاه تهیدستی‌ام باش، مرا از خود جدا مکن و از خویشتن دورم مساز، ای نعمت و بهشت من و ای دنیا و آخرتم، ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة التاسعة: مناجاة المحبين (مناجات نهم: رازونیز شیفتگان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا ؟ وَمَنْ ذَا الَّذِي أَنْسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَغَى عَنْكَ حَوْلًا ؟ إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنْ أَصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ ، وَأَخْلَصْتَهُ لِدُوكَ وَمَحَبَّتِكَ ، وَشَوَّقْتَهُ إِلَى لِقَائِكَ ، وَرَضَّيْتَهُ بِقَضَائِكَ ، وَمَنْحَتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ ، وَحَبَوْتَهُ بِرِضَاكَ ، وَأَعَدْتَهُ مِنْ هَجْرِكَ وَقِلَاقٍ ، وَبَوَّأْتَهُ مَقْعَدَ الصَّدْقِ فِي جِوَارِكَ ، وَخَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ ، وَأَهْلَيْتَهُ لِعِبَادَتِكَ ، وَهَيَّيْتَهُ قَلْبَهُ لِإِرَادَتِكَ ، وَاجْتَنَبَيْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ خدایا کیست آن‌که شیرینی محبت را چشید پس به‌جای تو دیگری را برگزید؟ و کیست آن‌که با مقام قرب تو انس یافت پس مایل به روی برتافتن از تو شد؟ خدایا، ما را از کسانی قرار ده که برای قرب ولایت برگزیدی و برای دوستی

و محبت خالص نمودی و برای دیدارت مشتاق کردی و به قضایات راضی ساختی و نعمت نگاه به جمالت را عطایش کردی و به خشنودیات مخصوص گرداندی و از غم هجران و دوریات پناه دادی و در جوارت در جایگاه راستی جای دادی و به شناخت خود اختصاص دادی و برای بندگیات سزاوار کردی و به اراده‌ات دلباخته فرمودی و برای تماشای جمالت برگزیدی؛

وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ ، وَقَرَعْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ ، وَرَغَبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ ، وَالْهَمَمْتُ ذِكْرَكَ ، وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ ، وَشَغَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ ، وَاخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاتِكَ ، وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ . اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَأَبُهُمُ الْارْتِيَاخُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ ، وَدَهْرُهُمُ الزَّفَرَةُ وَالْأَنِينُ ، جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ ، وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ ، وَدُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ خَشْيَتِكَ ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ ، وَأَفْئِدَتُهُمْ مُنْخَلِعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ؛

و رویش را برای خود از غیر، پاک کردی و دلش را برای عشقت فارغ نمودی و آن را به‌سوی آنچه نزد توست راغب فرمودی و یادت را به او الهام کردی و شکر را نصیبش نمودی و به طاعت مشغول ساختی و او را از بندگان شایسته‌ات گرداندی و برای رازونیزات انتخاب کردی و جدا کردی از او هرچه که او را از تو جدا می‌کند، خدایا ما را از کسانی قرار ده که شیوه‌هایشان آرام گرفتن به درگاه توست در حال زاری و روزگارشان آه و ناله است و پیشانی‌شان در پیشگاه عظمت بر سجده و دیدگان‌شان در خدمت بی‌خواب گشته است و اشکشان از خشیت تو روان و قلوبشان به عشقت آویخته و دل‌هایشان از هیبتت از جا کنده است؛

يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّهِ رَائِقَةٌ ، وَسُبْحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ ، يَا مَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ ، وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ ، أَسْأَلُكَ حُبَّكَ ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ ، وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوَصِّلُنِي إِلَيْكَ قُرْبِكَ ، وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ ، وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِلَيْكَ قَائِدًا إِلَيَّ رِضْوَانِكَ ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ دَائِدًا عَنْ عِصْيَانِكَ ، وَأَمْنُنْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ ، وَانْظُرْ بِعَيْنِ الْوُدِّ وَالْعَطْفِ إِلَيَّ ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْإِسْعَادِ وَالْخُطْوَةِ عِنْدَكَ ، يَا مُجِيبُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای آن‌که انوار قدسش برای دیدگان عاشقانش جلوه‌گر است و بزرگی‌های جمالش برای قلوب عارفانش دیدنی است، ای آرمان دل مشتاقان، ای نهایت آرزوهای عاشقان، از تو درخواست می‌کنم دوستی خودت را و دوستی آنان که تو را دوست دارند و دوستی هر کاری که مرا به میدان قرب تو می‌رساند و اینکه خودت را نزد من محبوب‌تر از دیگران قرار دهی و عشقم را به وجودت راهبر به‌سوی خرسندیات بگردانی و شوقم را به حضرتت بازدارنده از نافرمانی‌ات سازی، خدایا تماشای زیبایی وجودت را بر من منت گذار و به من به دیده عشق و عاطفه بنگر و روی از من متاب و مرا نزد خود از اهل خوشبختی و بهره‌مندی قرار ده، ای اجابت کننده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة العاشرة: مناجاة المتوسّلين (مناجاة دهم: رازونياز توسّل جویان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ ، وَلَا لِي ذَرِيعَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَارِفُ رَحْمَتِكَ ، وَشَفَاعَةُ نَبِيِّكَ
نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ، وَمُنْقِذِ الْأُمَّةِ مِنَ الْعَمَةِ ، فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَبًا إِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ ، وَصَيِّرْهُمَا لِي وَصْلَةً إِلَى
الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ ، وَقَدْ حَلَّ رَجَائِي بِحَرَمِ كَرَمِكَ ، وَحَطَّ طَمَعِي بِغِنَاءِ جُودِكَ ، فَحَقِّقْ فِيكَ أَمَلِي ،
وَاخْتِمِ بِالْخَيْرِ عَمَلِي ، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَتِكَ الَّذِينَ أَحْلَلْتَهُمْ بِحُبُوحَةِ جَنَّتِكَ ، وَبَوَّأْتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛ خدایا، به پیشگاهت وسیله ای جز
عواطف مهتر ندارم و به درگاهت دست آویزی جز از آنچه از رحمتت شناخته شده و جز شفاعت
پیامبرت، پیامبر رحمت رهایی بخش امت از رنج و ناراحتی ندارم، خدایا! این دو وسیله را برای من
سبب رسیدن به آمرزش قرار ده و آن دو را رابطه ای برای دستیابی به خشنودیت بگردان، همانا
امیدم به حریم کرمیت فرود آمده و مرکب طمعم به آستانه جودت بار انداخته است، پس درباره
خودت آرزویم را محقق ساز و کارم را به خیر پایان ده و مرا از آن برگزیدگانی قرار ده که در میان
بهشت قرارشان دادی و خانه کرامت را در اختیارشان گذاردی؛

وَأَقَرَّرْتُ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ ، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصَّدَقِ فِي جِوَارِكَ . يَا مَنْ لَا يَفُودُ الْوَافِدُونَ
عَلَى أَكْرَمِ مِنْهُ ، وَلَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ ، يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ ، وَيَا أَعْطَفَ مَنْ أَوَى إِلَيْهِ
طَرِيدٌ ، إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي ، وَبَدَيْلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ كَفِّي ، فَلَا تُؤْلِنِي الْجِرْمَانَ ، وَلَا تُبْلِنِي
بِالْخَيْبَةِ وَالْخُسْرَانِ ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و دیده آنان را در روز قیامت با نگاه به سوی جمال خویش روشن نمودی و جایگاه راستی را در جوارت
به آنان واگذار نمودی، ای آن که باریافتگان بر کریم تر از او بار نیابند و قصدکنندگان مهربان تر از او
را نیابند، ای بهترین کسی که شخص تنها با او خلوت کند و ای مهربان ترین کسی که انسان رانده
به جانب او روی آورد، به سوی گستردگی عفو دست گذاری دراز کردم و به دامن کرمیت چنگ
آویختم، مرا سزاوار حرمان مکن و به ناامیدی و زیان دچار مساز، ای شنوای دعا، ای مهربان ترین
مهربانان.

المناجاة الحادية عشرة: مناجاة المفتقرين (مناجات یازدهم: رازونیا نیازمندان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي كَسِرَى لَا يَجْبُرُهُ إِلَّا لُطْفُكَ وَحَنَانُكَ ، وَفَقْرِي لَا يُغْنِيهِ إِلَّا عَطْفُكَ وَإِحْسَانُكَ ، وَرَوْعَتِي لَا يُسْكِنُهَا إِلَّا أَمَانُكَ ، وَذِلَّتِي لَا يُعِزُّهَا إِلَّا سُلْطَانُكَ ، وَأُمْنِيَّتِي لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُكَ ، وَخَلَّتِي لَا يَسُدُّهَا إِلَّا طَوْلُكَ ، وَحَاجَتِي لَا يَقْضِيهَا غَيْرُكَ ، وَكَرْبِي لَا يُفَرِّجُهُ سِوَى رَحْمَتِكَ ، وَضُرِّي لَا يَكْشِفُهُ غَيْرُ رَأْفَتِكَ ، وَغَلَّتِي لَا يَبْرِدُّهَا إِلَّا وَصْلُكَ ، وَلَوْعَتِي لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يَبُلِّغُنِي إِلَّا النَّظَرُ إِلَى وَجْهِكَ ، وَفَرَارِي لَا يَقِرُّ دُونَ دُنُوِّي مِنْكَ ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ خدایا، شکستگی‌ام را جز لطف و محبتت جبران نکند و تهیدستی‌ام را بی‌نیازی نرساند جز مهر و احسانت و هراسم را جز امان تو آرام ننماید و خواری‌ام را جز توانایی‌ات به عزت تبدیل نکند و مرا جز فضل‌ت به آرزویم نرساند و شکاف فقرم را جز احسان تو پر نکند و حاجتم را کسی جز تو بر نیابد و غم‌زدگی‌ام را جز رحمتت برطرف ننماید و بدحالی‌ام را جز مهرت نگشاید و سوز سینه‌ام را جز وصل تو خنک نکند و آتش درونم را جز دیدارت خاموش نگرداند و بر حرارت شوقم به تو جز نگاه به جمالت آب نریزد و آرامشم بدون نزدیک شدن به حضرتت برقرار نشود؛

وَلَهْفَتِي لَا يَرُدُّهَا إِلَّا رَوْحُكَ ، وَسَقَمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ ، وَعَمِّي لَا يُزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ ، وَجُرْحِي لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ ، وَزَيْنُ قَلْبِي لَا يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ ، وَوَسْوَاسُ صَدْرِي لَا يُزِيحُهُ إِلَّا أَمْرُكَ . يَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْأَمَلِينَ ، يَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ ، يَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ ، يَا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ ، يَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ ، يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ ، يَا ذُخْرَ الْمُعْدِمِينَ ، يَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ ؛

و حسرتم را جز نسیم رحمتت برنگرداند و بیماری‌ام را جز درمانت شفا ندهد و غم‌م را جز مقام قربت برطرف نسازد و زخمم را جز چشم‌پوشی‌ات التیام ندهد و آلودگی دلم را جز گذشت تو نزدايد و وسواس سینه‌ام را جز فرمانت از میان نبرد، ای نهایت آرزوی آرزومندان، ای غایت خواهش خواهندگان، ای دورترین مطلوب جویندگان، ای والاترین رغبت راغبان، ای سرپرست شایستگان، ای امان ترسیدگان، ای اجابت کننده دعای بیچارگان، ای ذخیره ناداران، ای گنج بینوایان، ای فریادرس دادخواهان؛

وَيَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي ، وَإِلَيْكَ تَضَرُّعِي وَابْتِهَالِي ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُنِيلَنِي مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِكَ ، وَتُدِيمَ عَلَيَّ نِعَمَ امْتِنَانِكَ ، وَهَذَا أَنَا بِبَابِ كَرَمِكَ وَاقِفٌ ، وَلِنَفْحَاتِ بِرِّكَ مُتَعَرِّضٌ ، وَبِحَبْلِكَ الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ ، وَبِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى مُتَمَسِّكٌ . إِلَهِي أَرْحَمَ عَبْدَكَ الدَّلِيلَ ، ذَا اللِّسَانِ الْكَلِيلِ ، وَالْعَمَلِ الْقَلِيلِ ، وَآمَنْتُ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ الْجَزِيلِ ، وَاكْنُفُهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيلِ ، يَا كَرِيمُ يَا جَمِيلُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای برآورنده حاجات تهیدستان و بر خاک نشستگان، ای کریم ترین کریمان، ای مهربان ترین مهربانان، فروتنی و خواهش به پیشگاه توست و زاری و ناله ام به سوی تو، از تو می خواهم مرا به نسیم خرسندیات برسانی و نعمت های نیکویت را بر من تداوم بخشی، من اینک بر در خانه کرم استاده ام و در معرض نسیم های نیکایات قرار دارم و به رشته محکمت چنگ زده ام و به دست آویز استوارت دست آویختم، خدایا بر بنده خوارت که زبانش گنگ و عملش اندک است رحم کن و با احسان پیوسته و برجسته ات بر او منت گذار و او را زیر سایه بلندت حمایت فرما، ای گرامی، ای زیبا، ای مهربان ترین مهربانان.

المناجاة الثانية عشرة: مناجاة العارفين (مناجات دوازدهم: رازنیاز عارفان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي قَصَّرْتُ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلِيقُ بِجَلَالِكَ ، وَعَجَزَتِ الْعُقُولُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ ، وَأَنْحَسَرَّتِ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظَرِ إِلَى سُبْحَاتِ وَجْهِكَ ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقاً إِلَى مَعْرِفَتِكَ ، إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ . إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ السُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ ، وَأَخَذَتْ لَوْعَةً مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ ، فَهُمْ إِلَى أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَأْوُونَ ، وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ يَرْتَعُونَ ، وَمِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَأْسِ الْمُلَاطَفَةِ يَكْرَعُونَ ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛ خدایا، زبان ها از ادای ثنایت آن چنان که شایسته عظمت توست کوتاه است و خردها از درک ژرفای جمالت ناتوان است و دیده ها از تماشای بزرگی های ذات درمانده است، برای خلق راهی به سوی شناساییات جز ناتوانی از شناخت قرار ندادی، خدایا ما را از کسانی قرار ده که شاخسارهای اشتیاق به سویت در بوستان های سینه هایشان استوار و پابرجا شده است و سوز عشقت در کانون دل هایشان برافروخته، از این روی به آشیانه اندیشه های والا جای گیرند و در گلستان قرب و مکاشفاته می گردند و از حوض های محبت با جام ملاطفت می نوشند؛

وَسَرَائِعِ الْمَصَافَاةِ يَرِدُونَ ، قَدْ كُشِفَ الْغَطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ ، وَانْجَلَتْ ظُلُمَةُ الرَّيْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَصُمَائِرِهِمْ ، وَانْتَفَتَ مُخَالَجَةُ الشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَسَرَائِرِهِمْ ، وَانْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ ، وَعَلَتْ لِسَنَقِ السَّعَادَةِ فِي الزَّهَادَةِ هِمَمُهُمْ ، وَعَذَبَ فِي مَعِينِ الْمُعَامَلَةِ شَرُّبُهُمْ ، وَطَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِرُّهُمْ ، وَأَمِنَ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ سِرُّهُمْ ، وَاطْمَأَنَّتْ بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ؛

و در کنار نهادهای صفا وارد می‌شوند، درحالی‌که پرده از دیدگانشان برداشته شده و تاریکی دودلی از باورها و ضمائرشان زدوده گشته و خلجان شک از دل‌ها و باطنشان بیرون رفته و سینه‌هایشان با تحقق معرفت، گشوده شده و همتشان برای پیشی گرفتن در میدان خوشبختی بر اثر زهد، بلندی گرفته و نوشیدنشان در چشمه زلال کردار، گوارا شده و باطنشان در مجلس انس، پاکیزه گشته و راهشان در جای ترسناک، ایمنی یافته و جانشان با رجوع به رب الارباب، اطمینان یافته؛

وَتَيَقَّنَتْ بِالْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ أَرْوَاحُهُمْ ، وَقَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ ، وَاسْتَقَرَّ بِإِدْرَاكِ السُّؤْلِ وَنَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ ، وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ . إِلَهِي مَا أَلَدَّ خَوَاطِرَ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ ! وَمَا أَحْلَى الْمَسِيرِ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ ! وَمَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ ! وَمَا أَعَذَبَ شَرِبَ قُرْبِكَ ، فَأَعِزَّنَا مِنْ طَرْدِكَ وَإِبْعَادِكَ ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَحْصَى عَارِفِكَ ، وَأَصْلَحِ عِبَادِكَ ، وَأَصْدَقِ طَائِعِيكَ ، وَأَخْلَصِ عِبَادِكَ ، يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ ، يَا كَرِيمُ يَا مُنِيلُ ، بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و ارواحشان به نیکبختی و رستگاری، یقین یافته و دیدگانشان با نظر به محبوبشان، روشنی گرفته و آرامششان با دریافت خواهش و رسیدن به آرزو، استقرار یافته و تجارتشان در فروش دنیا به آخرت سودبخش بوده، خدایا، چه لذت‌بخش است در دل‌ها خاطرات الهام گرفته از یادت و چقدر شیرین است پویش به‌سوی تو با مرکب اندیشه‌ها در راه‌های غیب و طعم عشقت چه خوش و شربت مقام قربت چقدر گوارا است، پس ما را از راندن و دور کردن پناه ده و از خاص‌ترین عارفان و شایسته‌ترین بندگان و راست‌گوترین فرمان‌بران و خالص‌ترین پرستندگان قرار داده، ای بزرگ، ای باشکوه، ای گرمی، ای بخشنده، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة الثالثة عشرة: مناجاة الذاكرين (مناجات سیزدهم: رازونیا ز ذاكران)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي لَوْلَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ لَنَزَّهْتُكَ مِنْ ذِكْرِي إِيَّاكَ عَلَى أَنْ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ ، وَمَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّى أَجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ ، وَمِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرَيَانُ ذِكْرِكَ عَلَى أَلْسِنَتِنَا ، وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ . إِلَهِي فَأَلْهِمْنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ ، وَفِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ ، وَآنِسْنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ وَالسَّعْيِ الْمَرْضِيِّ ، وَجَازِنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ . إِلَهِي بِكَ هَامَتِ الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ ، وَعَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است؛ خدایا، اگر پذیرش فرمانت بر من واجب نبود هر آینه پاک نگاه می داشتمت از اینکه ذکر تو گویم، چه ذکر من تو را به اندازه کاستی من است نه برآورنده کمال تو، شأن و اندازه من چقدر می تواند بالا رود تا ظرف تقدیس تو قرار گیرم؟ از بزرگ ترین نعمت ها بر ما جاری شدن ذکر تو بر زبان ماست و اجازه ات به ماست که تو را بخوانیم و تنزیه و تسبیح گوئیم، خدایا پس ذکرت را به ما الهام کن در نهان و آشکار و شب و روز و پیدا و پنهان و در خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر پنهان مانوس فرما و به عمل پاکیزه و کوشش پسندیده بکار گیر و به میزان کامل پاداشمان ده، خدایا دل های عاشق، شیفته تواند و خردهای جدای از هم، بر معرفتت گرد آمده اند؛

فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ ، وَلَا تَسْكُنُ النُّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ ، أَنْتَ الْمُسَبِّحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ ، وَالْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ ، وَالْمَوْجُودُ فِي كُلِّ أَوَانٍ ، وَالْمَدْعُوُّ بِكُلِّ لِسَانٍ ، وَالْمُعَظَّمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ ، وَ أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ ، وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ أَنْسِكَ ، وَمِنْ كُلِّ سُرُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ ، وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ . إِلَهِي أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ : ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ : ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾ ، فَأَمَرْتَنَا بِذِكْرِكَ ، وَوَعَدْتَنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفًا لَنَا وَتَفْخِيمًا وَإِعْظَامًا ، وَهَذَا نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا أَمَرْتَنَا ، فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا ، يَا ذَاكِرَ الذَّاكِرِينَ ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بدین خاطر دل ها آرام نگیرند جز به یاد تو و جان ها جز به هنگام مشاهدات راحتی نیابند، تو تنزیه شده ای در هرجا و پرستیده گشته ای در هرگاه و در همواره روزگار بوده ای و به هر زبان خوانده شده ای و در هر دلی بزرگداشت شده ای و از هر لذتی به جز ذکر تو و از هر آسایشی جز همدمی با

تو و از هر شادمانی به غیر قرب تو و از هر شغلی جز طاعت تو پوزش می‌جویم، تو گفتی و گفتارت حق است که: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید و در بامداد و شامگاه او را تسبیح گوید» و تو گفتی و گفتارت حق است: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» ما را به یاد کردنت فرمان دادی و وعده فرمودی که تو نیز از روی شرافت و عزّت و کرامت بخشیدن به ما، ما را یاد کنی، اکنون برابر با فرمانت تو را یاد می‌کنیم، پس تو نیز به وعده‌ات وفا کن، ای یادآور یادکنندگان و ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة الرابعة عشرة: مناجاة المعتصمين (مناجات چهاردهم: رازونیاز پناه جویان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ يَا مَلَأَ اللَّائِذِينَ ، وَيَا مَعَاذَ الْعَائِذِينَ ، وَيَا مُنْجِيَ الْهَالِكِينَ ، وَيَا عَاصِمَ الْبَائِسِينَ ، وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينَ ، وَيَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ ، وَيَا كَنْزَ الْمُفْتَقرِينَ ، وَيَا جَابِرَ الْمُنْكَسِرِينَ ، وَيَا مَأْوَى الْمُنْقَطِعِينَ ، وَيَا نَاصِرَ الْمُسْتَضْعَفِينَ ، وَيَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ ، وَيَا مُغِيثَ الْمَكْرُوبِينَ ، وَيَا حِصْنَ الْلَّاجِينَ ، إِنَّ لَمْ أَعُدْ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ ؟ وَإِنْ لَمْ أَلِدْ بِقُدْرَتِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ ؟ وَقَدْ أَلْجَأْتَنِي الذُّنُوبُ إِلَى التَّشَبُّثِ بِأَذْيَالِ عَفْوِكَ ، وَأَحْوجَتْنِي الْخَطَايَا إِلَى اسْتِفْتَاكِ أَبْوَابِ صَفْحِكَ ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ خدایا، ای پشتیبان پناه‌جویان و ای پناه‌پاهندگان و ای رهایی بخش هلاک‌شدگان و ای نگهدار بینوایان و ای مهرورز بی‌چیزان و ای اجابت‌کننده درماندگان و ای گنجینه تهیدستان و ای جبران‌کننده شکست‌خوردگان و ای جایگاه‌آوارگان و ای یاور ناتوان‌شمردگان و ای پناه‌دهنده ترسیدگان و ای غمگسار غم‌زدگان و ای دژ پناهندگان، اگر به عزّت پناه نیاورم پس به که پناه برم و اگر به قدرت پناه‌نده نشوم، به که پناه‌نده شوم؟ گناهان و ادارم ساخته که به دامن گذشت چنگ زنم و خطاها محتاجم کرده که از تو خواهم، درهای چشم‌پوشی‌ات را بر من بگشایی؛

وَدَعَيْتَنِي الْإِسَاءَةَ إِلَى الْإِنَاخَةِ بِفَنَاءِ عِزِّكَ ، وَحَمَلْتَنِي الْمَخَافَةَ مِنْ نِقْمَتِكَ عَلَى التَّمَسُّكِ بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ ، وَمَا حَقُّ مَنْ اعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ أَنْ يُحْذَلَ ، وَلَا يَلِيقُ بِمَنْ اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسَلَّمَ أَوْ يُهْمَلَ . إِلَهِي فَلَا تُخْلِنَا مِنْ حِمَايَتِكَ ، وَلَا تُعْرِنا مِنْ رِعَايَتِكَ ، وَدُدْنَا عَنْ مَوَارِدِ الْهَلَكَةِ ، فَإِنَّا بِعَيْنِكَ وَفِي كَفِّكَ وَلَكَ ، أَسْأَلُكَ بِأَهْلِ خَاصَّتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ بَرِّيَّتِكَ ، أَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنَا وَاقِيَةً تُنَجِّنَا مِنَ الْهَلَكَاتِ ، وَتُجَنِّبُنَا مِنَ الْآفَاتِ ، وَتَكُنُّنَا مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ ، وَأَنْ تُنْزِلَ عَلَيْنَا مِنْ سَكِينَتِكَ ، وَأَنْ تُغْشَى

وَجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ ، وَأَنْ تُؤْوِيَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ ، وَأَنْ تَحْوِيَنَا فِي أَكْنَافِ عِصْمَتِكَ ، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و بدی‌ها مرا فراخوانده تا به آستان عزّت بار اندازم و هراس از انتقام وادارم کرده که به دستاویز مهرت چنگ زنم، کسی که به ریسمانت چنگ زده سزاوار نیست خوار گردد و آن‌که به عزّت پناهنده شده، شایسته نیست رها گردد یا وا گذاشته شود، خدایا ما را از حمایت محروم مکن و از پوشش رعایت برهنه مساز و از پرتگاه‌های هلاک دورم کن، زیرا ما در سایه توجه تو و در حمایت تو به سر می‌بریم و از تویم، از تو می‌خواهم به‌حق خاصان از فرشتگان و شایستگان از بندگان که برای ما سپری قرار دهی که ما را از هلاکت‌ها برهاند و از آفات برکنار دارد و از بلاهای سخت نگهداری کند و هم اینکه آرامش خود را بر ما نازل کنی و چهره‌های ما را به انوار محبت پرفروغ گردانی و ما را در پناهگاه محکمت پناه دهی و در کناره‌های نگهداری خویش بگنجانی، به‌حق مهر و رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

المناجاة الخامسة عشرة: مناجاة الزّاهدين (مناجات پانزدهم: رازونیا) پارسایان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي أَسْكَنْتَنَا دَارًا حَفَرَتْ لَنَا حُفَرِ مَكْرِهَا ، وَعَلَّقَتْنَا بِأَيْدِي الْمَنَايَا فِي حَبَائِلِ غَدَرِهَا ، فَإِلَيْكَ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ خُدْعِهَا ، وَبِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْاِغْتِرَارِ بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا ، فَإِنَّهَا الْمُهِلِكَةُ طَلَابَهَا ، الْمُتْلِفَةُ خُلَالَهَا ، الْمَحْشُوَّةُ بِالْآفَاتِ ، الْمَشْحُونَةُ بِالنَّكَبَاتِ . إِلَهِي فَزَهِّدْنَا فِيهَا ، وَسَلِّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ ، وَأَنْزِعْ عَنَّا جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ ، وَتَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ خدایا، ما را در خانه‌ای ساکن نموده‌ای که گودال‌های فریبش را برای ما آماده ساخته و در شبکه‌های خیانتش به دست‌های مرگ آویخته، از دام‌های فریبش به تو پناه می‌آوریم و چنگ می‌زنیم از مغرور شدن به زیورهای آراسته‌اش به عنایت تو که این دنیا خواهندگانش را هلاک می‌سازد و واردینش را نابود می‌کند، آکنده به آفت‌هاست، انباشته از نکبت‌هاست، خدایا ما را به دنیا بی‌رغبت کن و به توفیق و عصمت ما را از آن سلامت بدار و جامه‌های مخالفت را از هستی‌مان برکن و با حسن کفایت امور ما را سرپرستی فرما؛

وَأَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ ، وَأَجْمِلْ صَلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ ، وَاعْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ ، وَأَتِمِّمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ ، وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَلَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ ، وَأَقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَيْكَ ، وَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَالْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

و فزونی سهم ما را از رحمت گسترده‌ات کامل گردان و از چشمه‌سار مواهب‌ت عطای ما را نیکو گردان و در سرزمین دل‌های ما درختان محبت را بکار و انوار معرفت را بر ما کامل کن و شیرینی گذشت و لذت آمرزش را به ما بچشان و دیدگان ما را در جهان دیگر به دیدارت روشن فرما و محبت دنیا را از دل ما بیرون کن، آن‌گونه که درباره نیکوکاران برگزیده‌ات و خاصان نیکوکردارت انجام دادی، به‌حق مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان و ای گرامی‌ترین گرامیان.